



A Critical Discourse Analysis of Ghada al-Samman's Al-Habib al-Efteradhi using Norman Fairclough's Model



Doi:10.22067/jallv13.i4.85843

Parisa Kazemi¹ 

A Faculty Member of Payam Noor University, Lorestan, Iran

Received: 1 March 2021 | Received in revised form: 5 May 2021 | Accepted: 17 July 2021

Abstract

Ghada al-Samman is an Arab poet and writer who reacted in her poetry against the wrong beliefs and ideologies of community. This study aims to use Norman Fairclough's critical discourse analysis to reflect on the most important issues of Arab community in Ghada al-Samman's poems, explaining the relationship between poetry (as a text) and society at three levels: description, interpretation, and explanation. It was found that women and homeland are two of the most prominent issues of Al-Saman's poems. They are depicted with a critical look at the history and cultural context. In his poem collection, Al-Samman tries to address the most important problems of women, the male-dominated culture of society, and the everlasting wars in Arab world and its effects on people's lives by taking a ridiculous and critical approach. Protesting on the political and social conditions of society, the critical look at the status of women and the cultural context of the society about women are two of the most important issues of al-Saman's poems. This study aimed to answer two questions: What are the most important social issues raised in Ghada Al-Samman's poems based on Norman Fairclough's theory? How was she able to convey these topics using words? The study showed that the poems of this collection are the result of her own experiences, reflections, and thoughts about war and its harmful effects on the lives of people in society, especially women. Gender, ethnicity, and homeland are among the most important themes that Al-Saman has paid attention to.

Keywords: Critical Discourse Analysis, Social Linguistics, Norman Fairclough, Ghada al-Samman.

⁴. Corresponding author. Email: pkazemi@pnu.ac.ir



زبان و ادبیات عربی، دوره سیزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۲۷) زمستان ۱۴۰۰، صص: ۸۳-۶۳

تحلیل انتقادی گفتمان مجموعه اشعار "الحبيب الافتراضي" غاده السمان

بر اساس الگوی نورمن فرکلاف



(پژوهشی)

پریسا کاظمی^۱ (هیأت علمی دانشگاه پیام نور، نویسنده مسئول)^۱

Doi:10.22067/jallv13.i4.85843

چکیده

غاده السمان شاعر و نویسنده متعهد عرب است که در اشعار خود علیه ایدئولوژی‌های نادرست جامعه واکش نشان داده است. پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، به چگونگی انعکاس مهمترین مسائل جامعه عرب در شعر غاده السمان پرداخته و رابطه‌ی متقابل شعر (به عنوان متن) و جامعه را در سه سطح: توصیف، تفسیر و تبیین توضیح دهد. با توجه به بررسی انجام شده مشخص شد که زن و وطن دو موضوع برجسته شعر السمان هستند که با دیدی انتقادی و در بافتی فرهنگی تاریخی به تصویر کشیده شده‌اند. السمان در این مجموعه شعر، سعی کرده است تا به مهم‌ترین مشکل زنان یعنی فرهنگ مرد محور حاکم بر جامعه و نیز، جنگ‌های فرسایشی جهان عرب بپردازد و اثرات آن بر زندگی مردم را با دیدی انتقادی و گاه تمسخرآمیز به ورطه نقد بکشاند. اعتراض به اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه، نگاه انتقادی به جایگاه زنان و بافت فرهنگی جامعه در باب زنان از مهم‌ترین موضوعات شعری السمان در این مجموعه شعر است. این پژوهش سعی دارد تا به این دو پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین موضوعات اجتماعی مطرح شده در شعر غاده السمان بر اساس نظریه نورمن فرکلاف کدامند؟ السمان چگونه توانسته است با استفاده از کلمات این موضوعات را منتقل کند؟ در نتیجه این پژوهش مشخص شد که اشعار مجموعه شعر السمان حاصل تجربیات، ذهنیات و تفکر خود وی در باب جنگ و تأثیرات زیانبار آن بر زندگی مردم جامعه خصوصاً زنان است. جنسیت، قومیت و وطن از مهم‌ترین مسائلی هستند که السمان به آن‌ها توجه نشان داده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، زبان‌شناختی اجتماعی، نورمن فرکلاف، غاده السمان.

۱. مقدمه

۱.۱. تحلیل گفتمان

زبان یکی از پدیده‌های اجتماعی و تأثیرگذار در نهادهای اجتماعی است که در کنار فراهم آوردن امکان ارتباط، در ایجاد تغییرات اجتماعی در جامعه و تثبیت یا حذف آن‌ها نقش مهمی دارد. یکی از اصلی‌ترین حوزه‌ها برای کشف ارتباط زبان با علوم انسانی و علوم اجتماعی و روانشناسی و فلسفه و... تحلیل گفتمان یا سخن‌کاوی است. «گفتمان، در مفهوم آنچه که تحلیل گفتمان گفته می‌شود، به عنوان عنصری از زندگی اجتماعی که با دیگر عناصر آن ارتباط دارد، به منظر خاصی از زبان در کاربرد اشاره می‌کند.» (Fairclough، ۲۰۰۱: ۳). تحلیل گفتمان تلاش می‌کند در عمق متن کنکاو کند و مطالبی را بیان کند که مؤلف آن‌ها را نگفته یا به ذهنش هم خطور نکرده است، بلکه متن آن‌ها را بیان کرده است (افخمی و روستایی: ۴). به‌طورکلی، حیطه بحث تحلیل گفتمان، الگوهای زبانی موجود در متن و نحوه انعکاس بافت‌های اجتماعی از طریق زبان است. بررسی متن چه نوشتاری و چه گفتاری در سطحی فراتر از واژه و جمله، در حیطه تحلیل گفتمان است. «هدف اصلی تحلیل گفتمان آن است که درک و ارزیابی عمیقی از متن صورت پذیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه متون برای کاربران خود معنای خاصی پیدا می‌کنند.» (پالتریج، ۱۳۹۵: ۱۳) یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین انواع تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی است. ریشه نظریه تحلیل گفتمان انتقادی به دانش زبان‌شناسی برمی‌گردد، هرچند با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند (امیدوار، ۱۴۰۰: ۵). تحلیل گفتمان انتقادی یک رویکرد میان‌رشته‌ای است که بر بنیاد جامعه‌شناختی تحلیل گفتمان استوار است و دانش زبان‌شناسی و تفکر انتقادی را به هم مرتبط می‌سازد. گفتمان انتقادی روابط بین ساختارهای زبانی، متن و بافت‌های اجتماعی را در سطح واژگانی و دستوری مطالعه می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی، در دوره‌های اخیر به‌شدت مورد استقبال و توجه پژوهشگران حوزه ادبیات قرار گرفته است. زبان، قدرت و ایدئولوژی سه مفهوم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی است. این پژوهش سعی دارد تا به این دو پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین موضوعات اجتماعی مطرح‌شده در شعر غاده السمان بر اساس نظریه نورمن فرکلاف کدامند؟ السمان چگونه توانسته است با استفاده از کلمات این موضوعات را منتقل کند؟

تحلیل گفتمان فرکلاف به سه سطح تقسیم می‌شود: سطح توصیف: گفتمان به مثابه متن (شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، وجوه مختلف جمله و نوع گفت‌وگوها)، سطح تفسیر: گفتمان به مثابه تعامل میان فرایند تولید و تفسیر متن و سطح تبیین: گفتمان به مثابه زمینه‌های اجتماعی (صالحی، افشار، ۱۳۹۷: ۶۳).

۲.۱. تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

نورمن فرکلاف در کتاب «تحلیل انتقادی گفتمان» که متشکل از مجموعه مقالاتی است که طی سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ به نگارش درآورده است، تحلیل گفتمان را به عنوان یک روش کیفی در تحلیل متن معرفی کرد. وی بر این نکته تأکید کرد که گفتمان بر ساختارکننده سه پدیده هویت اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش‌مندی است. نظریه گفتمان انتقادی

فرکلاف، یک نظریه تحلیلی متن بنیاد است که هم به مسائل زبانی و هم مسائل اجتماعی توجه دارد. فرکلاف در الگوی تحلیلی خود سه کارکرد توصیف (پرکتیس متنی)، تفسیر (پرکتیس گفتمانی) و تبیین (پرکتیس اجتماعی) را برای تحلیل متن پیشنهاد می‌دهد تا از این طریق ایدئولوژی نهفته در لایه‌های زیرین متن را کشف و بررسی کند. «زبان محمل ایدئولوژی و متن عرصه ظهور و حضور ایدئولوژی است.» (Fairclough, 2001: 48) باید توجه داشت که «ایدئولوژی نظام باورها و مقولاتی است که شخص یا جامعه با ارجاع به آنها جهان را درک می‌کند و این زبان است که نقش تعیین‌کننده و حیاتی در تثبیت، بازتولید و تفسیر ایدئولوژی ایفا می‌کند. به دیگر سخن، منظور از ایدئولوژی، مجموعه ارزش‌ها یا نظام اعتقادی است که زبان متن منتقل می‌کند.» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۴) در بخش توصیف «متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت واژه یا صرف و معنی‌شناسی و تا حدودی کاربردشناسی مورد توصیف و تحلیل واقع می‌شوند. در سطح تفسیر متن بر مبنای آنچه که در سطح توصیف بیان شده با در نظر گرفتن بافت موقعیت و مفاهیم و راهبردهای کاربردشناسی زبان و عوامل بینامتنی می‌پردازد. در سطح سوم یعنی سطح تبیین، به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادهای و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد.» (فرکلاف، ۲۰۰۱: ۱۱۷-۹۱) فرکلاف بر این نظریه تأکید دارد که هیچ متنی نمی‌تواند بدون اینکه از مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیر بگیرد، ساخته و تولید شود. نظریه وی بر بنیاد جامعه‌شناختی تحلیل گفتمان استوار است. در این میان، شعر به عنوان یکی از پیچیده‌ترین برساخت‌های ادبیات، بسامد بالایی برای طرح مسائل سیاسی و اجتماعی دوران‌های مختلف ادبی و تاریخی را دارد و مستعد بررسی کاربردهای زبانی ایدئولوژیک و رابطه آن با مناسبات قدرت است. تا جایی که می‌توان گفت تعامل شعر با محیط اجتماعی یا همان بافت موقعیت، تعاملی سازنده و غیر قابل انکار است. «شعر با سویه ناروشن نشانه‌ها، با سویه غایب نشانه‌ها و تمایزها سروکار دارد نه با سویه حاضر آنها. زبان شعر، از نشانه‌های زبان عادی با مختصات آوایی، دل‌بخوایی یا ناناگنخته و قراردادی که عهده‌دار انتقال پیام هستند، فراروی می‌کند و به زبان حیرت‌انگیز القایی - تعبیرپذیری واجد خبرهای کلان و کلامی که در اوج مکاشفه‌های انسان باشد، تبدیل می‌شود و نهایتاً با قواعد و نظام زبان‌شناختی به لحاظ ماهیت خاص خود، زبانی در درون زبان می‌آفریند.» (حق‌شناس و عطاری، ۱۳۸۶: ۴۴)

۳.۱. اهمیت پژوهش

توجه به اهمیت زبان در علوم اجتماعی و پژوهش‌های علوم انسانی و معناشناسی سبب شد تا محققان به دنبال راهی برای کشف ارتباط زبان با مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه باشند. تولید معنا و تفسیر چندگانه از یک متن، ویژگی بود که گفتمان انتقادی در باب نقد زبان‌شناختی تأکید کرد. تحلیل گفتمان انتقادی در اوایل سال ۱۹۹۰ میلادی آغاز و اکنون به یکی از پرکاربردترین نوع گفتمان در تحلیل بافت اجتماعی و موقعیتی متون ادبی شده است. «تحلیل گران رویکرد گفتمان انتقادی از منظری انتقادی به جهان اجتماعی و به رابطه بین زبان و گفتمان در ایجاد و انعکاس جهان اجتماعی می‌نگرند و با

روش‌شناسی سر و کار دارند که به آنها این اجازه را می‌دهد که به توصیف، تفسیر و تبیین چنین روابطی پردازند.» (پاتریج برایان، ترجمه همتی، ۱۳۹۵: ۳۲۵)

۴.۱. پرسش پژوهش

پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای در بررسی اشعار السمان صورت گرفته و سعی دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین موضوعات اجتماعی مطرح شده در شعر غاده السمان بر اساس نظریه نورمن فرکلاف کدامند؟

۵.۱. فرضیه های پژوهش

با توجه به موقعیت اجتماعی که غاده السمان در آن زندگی می‌کرده است، عوامل اجتماعی مثل جنسیت، قومیت و وطن زمان شاعر می‌تواند به شکل آگاهانه یا ناخودآگاه در گفتمان انتقادی شاعر تأثیرگذار باشد. لذا مجموعه شعری «حبيب الافتراضی» با تکیه بر این فرضیه قابلیت تحلیل گفتمان انتقادی رادار است.

۶.۱. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در باب مجموعه شعری «الحبيب الافتراضی» غاده السمان «تاکنون هیچ پژوهشی در مورد این مجموعه چه در ادب عربی و چه در ادب فارسی انجام نشده و پژوهش حاضر، اولین تلاش برای معرفی و تحلیل این مجموعه شعر است. اما در باب کارکرد تحلیل انتقادی گفتمان در شعر و داستان، پژوهش‌های نسبتاً زیادی صورت گرفته است که همگی سعی کرده‌اند تا الگوی فرکلاف را در متن انتخابی خود نشان دهند.

۷.۱. غاده السمان و مجموعه شعر «الحبيب الافتراضی»

غاده السمان در دمشق در سال ۱۹۴۲ در دمشق به دنیا آمد. پدر وی، دکتر «احمد السمان» بود. وی دکترای اقتصاد سیاسی از دانشگاه سوربون فرانسه داشت، استاد دانشگاه و رئیس دانشکده حقوق بود و سرانجام در وزارت آموزش عالی، عهده‌دار وزارت گردید. پدر، نقش بسیار مهمی در زندگی السمان داشت و این از سخنان او مشهود است: «هنگامی که کمتر از ده سال داشتم، تنها دوستم که با او بازی می‌کردم، رئیس دانشگاه سوریه و وزیر آموزش و پرورش سوریه یعنی پدرم بود. دوستانی که با من به دنبال توپ می‌دویدند و پروانه شکار می‌کردند، همکاران پدرم و اساتید دانشگاه بودند. من وسط این شرایط بزرگ شدم. اگرچه گاهی از دنیای آنها فرار می‌کردم و به دنیای کودکانه خودم پناه می‌بردم و با پسرچه‌ها به شنا می‌رفتم و یا مارها را شکار می‌کردم، یا از بالای بلندترین درختان به داخل آب می‌پریدم، اما غالب وقتم را با پدرم می‌گذراندم. با کمک او قرآن را حفظ کردم، میراث عربی را مطالعه کردم، با آشفته‌گی‌های ترسناک روبرو شدم یعنی عصر

انقلاب‌های نظامی و پی‌درپی در سوریه. با احساس ترس، نگرانی و از هم‌گسیختگی آشنا شدم، قبل از اینکه به‌طور کامل با بدن خودم آشنا شوم. از طریق رفاقتم با پدرم با ویژگی‌های نسل گذشته عرب آشنا شدم» (السمان، ۱۹۹۰: ۵۸).

در طول مراحل آموزش ابتدایی «غاده السمان، با نظارت پدر، زبان فرانسه را آموخت و در کنار آن مبادی دین اسلام را فراگرفت. او روزی را به خاطر ندارد که در آن چیزی نخوانده یا نوشته باشد. وی اعتراف می‌کند که همیشه به خواندن کتاب‌هایی که از آنها منع می‌شد، حریص بوده و تمامی کتاب‌های پدر را در اتاق بسته‌اش خوانده است» (عواد، ۱۹۸۷: ۴۶).

السمان، علاوه بر درس‌های مدرسه به تشویق پدر به مطالعه در زمینه ادبیات عرب و اشعار شعرای غیر عرب پرداخت. وی همچنین در مورد آشنایی با زبان فرانسوی چنین می‌گوید: «عده کمی می‌دانند که من ابتدا در مدرسه «اللیسیة الفرنسیة» دمشق درس خوانده‌ام. نخستین زبانی که با آن تکلم کردم زبان فرانسوی بود و نه عربی تا جایی که پدرم ترسید که من به‌خوبی نتوانم به عربی صحبت کنم؛ بنابراین برخی از آیات قرآن را در پنج‌سالگی‌ام به من آموخت. ... بعد از آن، زبان انگلیسی را آموختم و تحصیلات دانشگاهی‌ام را در زمینه زبان و ادبیات انگلیسی ادامه دادم اما مطالعات علمی و تخصصی‌ام را به دو زبان فرانسوی و انگلیسی انجام می‌دهم» (السمان، ۱۹۹۰: ۵۸).

غاده السمان، از شعر به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد سیاسی و بیان نظرات مخالف خود در باب موضوعات سیاسی - اجتماعی و انتقاد به حاکمان عرب و غفلت آنها از قضیه فلسطین استفاده کرد. وی مجموعه اشعار «الحب» (۱۹۷۳)، «أعلنت علیک الحب» (۱۹۷۶)، «اعتقال لحظه هاربه» (۱۹۷۹)، «الحب من الورید الی الورید» (۱۹۸۱)، «أشهد عکس الریح» (۱۹۸۷) و «الحبيب الافتراضی» را به چاپ رسانده است. «اشعار السمان، مرحله‌ای از گرایش‌های ادبی و دورن‌گرایانه وی را با صداقت و امانت مجسم می‌کند و مرجع با ارزشی است برای آشنایی با تجربه‌های درونی و عقاید جسورانه او درباره عشق و دیدگاهی که نسبت به رابطه میان زن و مرد دارد (السمان، ۱۹۹۵: ۱۵۳). رجاء النقاش در مورد وی می‌گوید: «در ادب غاده السمان روحی وجود دارد که با شجاعت، مقاومت و اصرار می‌خواهد برای خود و قلب خود جایی در جهان باز کند.» (السمان، ۲۰۰۱: ۱۱) غاده السمان در نامه‌ای که به خوانندگان ایرانی نوشته است، می‌گوید: قصه‌ها و رمان‌هایم به سیزده زبان ترجمه شده اما تنها در ایران، راز پنهانم را کشف کردند و برای نخستین بار، ایرانیان بودند که اشعارم را ترجمه کردند؛ زیرا که عاشقان، راز معشوقان را درمی‌یابند و ایقاع روح و نغمه بال‌هایشان را ادراک می‌کنند، چونان که مرغ عشق، زمزمه همسایه‌اش را در قفس می‌فهمد (فرزاد، ۱۳۸۷: ۱۵)

۲. بخش اصلی

السمان در مجموعه شعر «الحبيب الافتراضی» سعی کرده است تا به‌طور هم‌زمان و در شکلی وهم‌آلود به موضوع وطن، عشق و زن توجه نشان دهد. وی اگرچه بیشتر عمر خود را در غرب گذرانده است اما هرگز از وضعیت زنان سرزمین خود غافل نبوده و قید و بندهای آزاردهنده جوامع عربی را به باد انتقاد گرفته است. مجموعه شعر «الحبيب الافتراضی» در فضایی وهمی و تا حد زیادی اسطوره‌ای سروده شده است. السمان در این مجموعه با تمرکز بر موضوع عشق آن را در دو جنبه عشق به معشوق و عشق به وطن خلاصه کرده است. عنوان افتراضی در همه اشعار این مجموعه تکرار می‌شود و به نوعی

دنیای آرمانی و دور از دسترس السمان را به تصویر می‌کشد. شعر السمان نقش پررنگی در ترسیم دنیای زنان عرب دارد و بر همین اساس جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. شعر وی از یک سو به وطن و عشق و سعادت اشاره دارد و از سوی دیگر به رنج و مشقت زنان و اندوه دائمی آنها می‌پردازد. اشعار وی، بیانگر حسرت‌ها و آرزوهای فروخورده‌ای است که گرد سالیان دراز بر آن نشسته و از دل تاریخی کهن روایت می‌شوند. عشق به معشوق زمینی در شعرهای السمان جایگاه ویژه‌ای دارد. به این صورت که با توجه به موج شدید آموزه‌های شاخه‌های مختلف فمینیسم خصوصاً فمینیست اگزیستانسیالیست به کشورهای عربی و شکاف عمیق میان زن و مرد، السمان سعی کرد تا این دو جنس بشری را در آثار خود آشتی دهد. السمان، برداشت نادرست جامعه از توانایی‌های زنان و مردان را عامل اصلی نابرابری حقوق زن و مرد و در نتیجه، تباهی عشق حقیقی میان این دو جنس بشری می‌داند. «روابط انسانی هرگز منجر به رابطه بردگی نمی‌شود مگر زمانی که ما فهم درستی از آنها نداشته باشیم و عشق را با قساوت، متهم به ایجاد بردگی کنیم. عشق واقعی انسان را از ترس، تاریکی، احساس گناه، و همراهی ضمنی با سنت‌های حاکم بر جامعه رهایی می‌بخشد. عشق، مانند طوفان نوح انسان را می‌شوید و او را پاکیزه، حقیقی، گریان، خسته و تمیز می‌سازد چنان‌که هرگز چنین نبوده است» (السمان، ۱۹۹۰: ۲۶). دیدگاه السمان به عشق بسیار زیبا و آزادی‌خواهانه است. خود وی با صراحت و روبه زنان اعلام می‌کند که ای زنان دنیا، دوست بدارید. مرد، موجود زیبایی است و مثل ما بی‌نواست. به جای تقلید و پیروی از او، به او کمک کنید. مرد تنها عاملی نیست که به زن ظلم می‌کند، بلکه این عقب‌ماندگی، استعمار و... است که بر هر دو ستم روا می‌دارند. ضروری است که با یک همبستگی آگاهانه، زن و مرد علیه این دشمن واقعی مشترکشان برخیزند. (همان: ۷۸)

۱.۲. توصیف

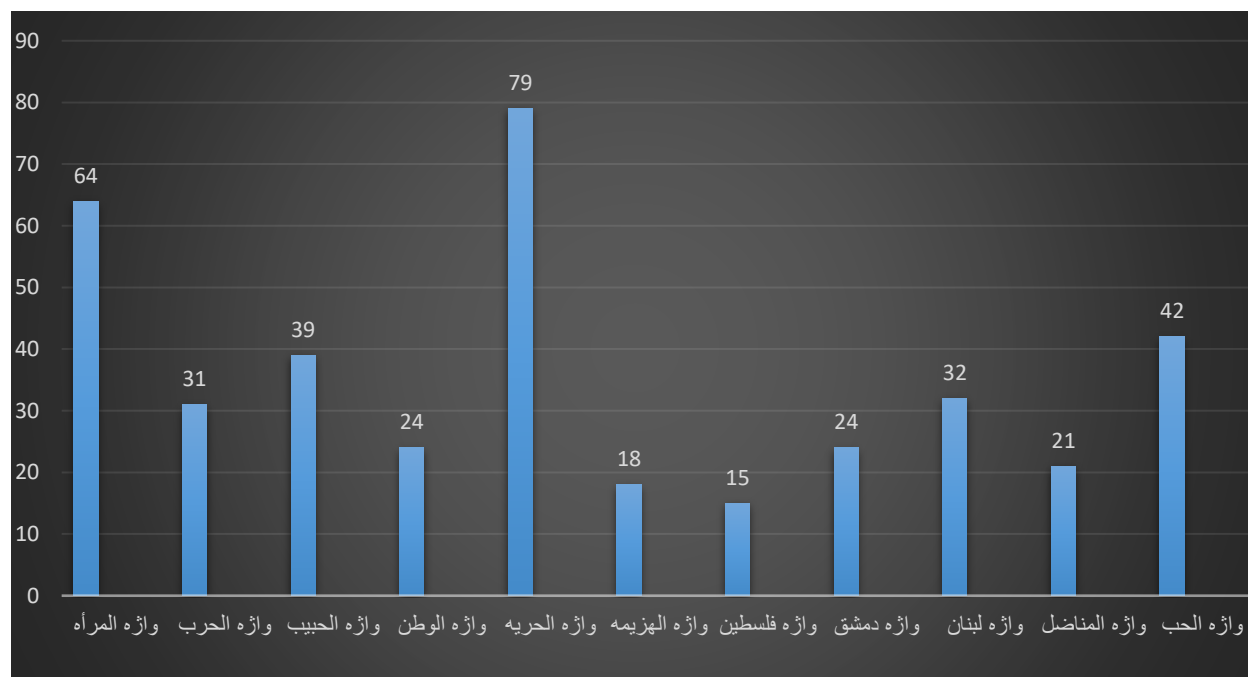
توصیف به عنوان پیش‌نیاز تفسیر و تبیین، جایگاه ویژه‌ای در بررسی‌های انتقادی فرکلاف دارد. در این سطح از گفتمان سعی می‌شود تا ویژگی‌های زبانی متن بدون در نظر گرفتن ارتباط متن با سایر متن‌ها و نیز جدا از سویه‌پیری‌های نویسنده در باب مسائل سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند و از این طریق، ایدئولوژی‌های پنهان در متن، مشخص و معلوم شوند.

۱.۱.۲. انتخاب واژگان

توجه به واژه‌های هر متن، نحوه گزینش آنها، بار عاطفی و روانشناسی آنها، و هم‌نشینی آنها برای ساختن ترکیباتی با معنای ایدئولوژیک و هدفدار از ویژگی‌های زبانی مهم هر عبارت یا جمله در بررسی تحلیل گفتمان انتقادی است. «در این بخش از تحلیل زبان، برقراری رابطه میان اجزای جمله، از اهمیت زیادی برخوردار است برای اینکه معنی خاصی را انتقال می‌دهد.» (سراج، ۱۳۹۴: ۵۲) در این حالت، ابتدا سعی می‌شود تا واژگان به کاررفته در متن مورد نظر بررسی شده و سپس عبارات و جملات برآمده از ترکیب این واژه‌ها، برای کشف معنای پنهان متن و میزان تخصصی بودن آن مورد ارزیابی قرار بگیرد. همان‌طور که گفته شد، ایدئولوژی‌های غالب مجموعه شعر السمان، در موضوع وطن، زن و عشق خلاصه شده است.

بر این اساس، بیشترین حجم واژگان اشعار برای انتقال معنایی متناسب با این ایدئولوژی‌ها انتخاب شده‌اند. به این صورت که واژه‌های پرکاربرد متن عبارت‌اند از «المرأة»، «الحبيب»، «الرجل»، «الهزيمة»، «الحرية»، «الوطن»، «الكتابة»، «القلم»، «الحرب»، «فلسطين»، «دمشق»، «لبنان»، «المناضل»، «الحب»، «باريس» و «الحرية» که به تناوب در سرتاسر مجموعه شعری وی تکرار می‌شوند.

نمودار تکرار واژگان پربسامد در این مجموعه شعر السمان به صورت زیر است:



السمان با دقت و آگاهانه این واژه‌ها را با هم هم‌نشین ساخته و ترکیباتی تند و اعتراضی را می‌سازد. تناسب لفظی موجود در این ترکیبات، معنای شعر را به صورتی مؤثرتر به مخاطب منتقل می‌کند. در شعر زیر، با به کارگرفتن واژه «مطبخ»، «غسيل الأطباق»، «جوع»، «محبّر» و «قصیده» نوعی تضاد و طنز تلخ رابه تصویر کشیده است:

"لا تدعي المطبخ يطهوك / لا تذوبي مع ملح الطعام / لا تدعي أبجديتك تذهب هدرا في بالوعة غسيل الأطباق / ولا تغرق في حوضه وتطلق قصادك فقاعات استغاثة من قاعة / لن يموت أحد جوعا بدونك / لكنك ستموتين جوعا إلى السباحة داخل محبرتك" (السمان، ۲۰۰۵: ۸۵).

(ترجمه) «اجازه نده که آشپزخانه تو را بپزد/ همراه نمک غذا ذوب نشو/ اجازه نده قدرت نوشتن تو در چاه فاضلاب ظرفشویی هدر برود/ در حوض آب غرق نشو و قصیده‌های را مانند حباب‌های کمک از حیاط خانه آزاد کن / هیچ کس بدون تو از گرسنگی نمی‌میرد/ ولی تو از شدت تشنگی به شنا در داخل دوات خود خواهی مرد».

از گزینش واژه‌های «المحبّر» و «القصاد» "السباحة" در کنار «المطبخ والجوع والموت» که هم تناسب لفظی دارند و هم تناسب معنایی، ترکیبات توصیفی زیبا و جدیدی نیز ساخته شده است. پخته شدن زن توسط آشپزخانه، ذوب شدن در نمک

غذا و هدررفتن استعداد شعری در ظرفشویی آشپزخانه، ترکیبات و تعابیر تازه‌ایی هستند که السمان برای اعتراض به کار زن در خانه به کار گرفته است.

در سال ۱۹۶۷ شکست سنگینی به اعراب از جانب اسرائیل وارد شد که از آن به «نکسه» تعبیر می‌کنند. «این جنگ که با اتحاد مصر، اردن و سوریه علیه اسرائیل شکل گرفت شکست سختی را بر اعراب تحمیل کرد و اسرائیل توانست سرزمین های جدیدی از خاک عربی را به اشغال خود در بیاورد. این نکسه، تاوان سنگینی برای انسان عربی داشت و غرور و عظمت تاریخی که به آن می‌بالید را در هم شکست» (حادی، ۲۰۰۴: ۱۲۹). السمان در شعر زیر نیز با هم‌نشین ساختن واژه‌های «الکتابة»، «المرأة»، «الحرب»، «الابداع»، «الهزيمة»، «المناضل»، «القلم»، «الطلاق» و «المأساة» تصویری دردناک از بی‌مسئولیتی روشنفکران عرب در باب قضیه فلسطین ارائه می‌دهد:

أيتها المرأة ما الذي تكتبينه في الحروب؟ / أكتب سكوتي، فأنت لا تستطيع أن تسوق الأبداع إلى الخدمة الإجبارية/ هاربة من المعركة؟ / هاربة من الزيف إلى معركتي الحقيقية: خلق معادل ابداعي للمأساة العربية أو الصمت/ وحبيبك المناضل؟ / أهديته قلم حبر فوقع به وثيقة الطلاق مني (السمان، ۲۰۰۵: ۴۲).

(ترجمه) «ای زن، در مورد جنگ‌ها چه چیزی می‌نویسی؟ / سکوت خود را می‌نویسم، تو نمی‌توانی ابتکار را به سمت خدمت اجباری سوق دهی / از جنگ فراری هستی؟ / از دروغ و نیرنگ به سمت جنگ واقعی خودم فرار می‌کنم: یا برای تراژدی عرب معادل اختراع می‌کنم یا سکوت / عشق جنگجوی تو؟ / به او یک خودکار هدیه دادم و با آن سند طلاق من را امضا کرد»

گزینش واژه «الخدمة الإجبارية» برای توانایی فنی در نوشتن، نشان از تناسب لفظی بین این واژه با الحرب و المعركة دارد. از سوی دیگر، واژه المرأة والطلاق و الحبيب هم به صورتی آگاهانه و ایدئولوژیک در کنار هم قرار گرفته‌اند تا تناسب لفظی و معنایی جمله حفظ شود. این شعر به شکست اعراب از اسرائیل در جنگ شش روزه که به اشغال کامل کرانه باختری توسط اسرائیل منجر شد، اشاره دارد. السمان تلاش مضحکانه روشنفکران عرب برای تغییر نام این شکست به «نکسه» را به سخره گرفته است. اشاره به ابداع معادل برای فاجعه عربی از سوی صاحبان قلم، خود نوعی ارائه دانش پیش‌زمینه (دانشی که افراد درباره یکدیگر و دنیای اطراف خود دارند)؛ مخاطب را به استفاده از اطلاعات شخصی خود تحریک می‌کند. به عبارت دیگر، السمان در اینجا سعی می‌کند تا با انتخاب گزینشی واژه‌ها، «طرح‌واره‌های ذهنی مخاطب را فعال کند و فرابخواند» (Brown, G. and yule, G, ۱۹۸۹: ۷۹) با توجه به اعتراض السمان به ناآرامی، جنگ و اشغال فلسطین، دایره واژگانی وی نیز بیشتر بر واژه‌های مربوط به جنگ متمرکز است:

"فقد ولدت على اعتاب حرب ضياع فلسطين وتعمدت مراهقتي بانقلابات/ وشبابي بحروب وهزائم/ ولم أعيش حياتي، وبالتالي لا أستحق موتي" (السمان، ۲۰۰۵: ۵۳).

(ترجمه) «در آستانه‌ی جنگ گمگشتگی فلسطین متولد شدم و نوجوانی خود را در انقلاب‌ها صرف کردم/ و جوانی خود را با جنگ‌ها و شکست‌ها هدر دادم/ زندگی نکردم در نتیجه لیاقت مرگ را ندارم.»

واژه‌های «حرب»، «فلسطین»، «ضیاع»، «انقلاب»، «هزائم» و «موت» با همنشینی در کنار هم، تصویری ساخته‌اند که نارضایتی انسان عربی در خلال جنگ‌های اعراب با استعمارگران و اسرائیل را توصیف کرده‌اند. در شعر زیر نیز با مقایسه دردناکی که بین خود (زن عربی) با معشوق فرانسوی و فرضی خود برقرار می‌کند، اوج محرومیت و آسیب‌های جنگ بر پیکره فرهنگی جامعه و نیز نسل‌های مختلف عرب را در قالب ترکیباتی ایدئولوژیک و معنادار نشان می‌دهد:

"أنت لم تسمع انفجارا غير الألعاب النارية في أعيادك / أنا سمعت صوت انفجار القذيفة التي أحرقت مكتبي و كنت جرذا يرتعد في الملجأ / أنت تحيا ثم تموت مرة واحدة وتدفن بسلام / وأنا أموت بين وقت وآخر، ولا أموت طويلا بل أغادر رمادي لأتعذب من جديد وأتمرد / أنت تخطط لإجازاتك ومباهجك الصيفية / وأنا أحتفي بالماضي وأنوح على أسوار الأندلس / أنت تحلم حين تنام / وأنا أرى الكوابيس في وضح الليل وضوء الظلام (همان: ۱۰۰).

(ترجمه) «تو به جز انفجار فشفسه‌های عیدهای خود نشنیده‌ای / من صدای انفجار بمبی را شنیدم که کتابخانه‌ام را به آتش کشید و من مانند موشی از پناهگاه می‌لرزیدم / تو زندگی می‌کنی و سپس یکبار می‌میری و در آرامش و امنیت دفن می‌شوی / من هر لحظه می‌میرم، این مرگ مدت زیادی طول نمی‌کشد بلکه خاکستر خود را ترک می‌کنم تا دوباره شکنجه شده و سرکشی کنم / تو برای مرخصی‌ها و شادی‌ها تابستانی خود برنامه می‌ریزی / و من گذشته را جشن می‌گیرم و بر دیوارهای اندلس نوحه سرایی می‌کنم / تو هنگامی که در خواب هستی رؤیا می‌بینی / و من در روشنایی شب و پرتو تاریکی کابوس می‌بینم.»

تقابل صدای حاصل از انفجار فشفسه‌های جشن‌ها در برابر صدای انفجار بمب‌ها در جنگ، توصیف رنج بی‌پایان و هرروزه انسان عربی در گیرودار آشوب‌های داخلی در تناظر با زندگی آرام و بی‌سروصدای انسان غربی، نگاه به آینده و امیدواری و برنامه‌ریزی برای آینده در بین غربی‌ها با استفاده از واژه‌های «تخطیط»، «مباهجک الصيفية» در تضاد با عقب ماندگی جوامع عربی و افتخار به گذشته و سنت‌ها و قهرمانان گذشته در سرزمین‌های عربی با استفاده از ترکیب «انوح علی اسوار اندلس» همگی نشان از نگاه جزئی‌نگر و مسؤولانه السمان به محیط اجتماعی کشورهای عربی است. ترکیبات ابداعی السمان در این اشعار به خوبی مشخص است. علاوه بر این تضاد آشکار در ترکیب وضح الیل و ضوء الظلام نیز تصویری غیرعادی در شعر وی خلق کرده است.

عشق نیز یکی دیگر از موضوعات مجموعه شعر السمان است که دست‌نیافتنی و مقدس است. عشقی که السمان به دنبال آن است مساوات بین عاشق و معشوق در دنیایی خالی از جنگ است:

بساطة: أريد أن أحبك على شطرنج الحرية الافتراضية/ فهل ترضى؟ (السمان، ۲۰۰۵: ۱۱).

(ترجمه) «به سادگی: می‌خواهم تو را بر روی شطرنج خیالی آزادی دوست داشته باشم / آیا تو راضی هستی؟»

واژه‌های الحب و شطرنج و الحریه و افتراضی از لحاظ تناسب معنایی و لفظی ارتباطی با هم ندارند اما ترکیب بدیع و هدفداری را ساخته‌اند که غیر ممکن بودن مساوات زن و مرد را به تصویر کشیده است.

علاوه بر این، السمان در بیشتر اشعار این مجموعه شعری خود، به صورت عمدی به گزینش واژه‌هایی پرداخته که به اساطیر غربی و شرقی و نیز میراث فرهنگی جهان اشاره دارند:

أنا المرأة التي صرخت مرة: وامعتصماه/ وأنا أبو زيد الهلالي راوي الحكايا والأكاذيب الحلوة وأنا زنوبيا التي أخذها الروم سبية ولم تركع.
(همان: ۳۳)

(ترجمه) «من همان زنی هستم که یک بار فریاد زد: وای از معتصم/ و من ابو زید هلالی راوی حکایت‌ها و دروغ‌های شیرین هستم و من ملکه زنوبیا هستم که روم او را به گروگان گرفت ولی زانو نزد.»

۲.۱.۲. ساخت‌های ساده در قالب مبتدا _ خبری

مبتدا پیش‌زمینه یک جمله است و باید توجه داشت که چه مفاهیمی در یک متن به عنوان مبتدا مطرح شده است. از این طریق می‌توان دریافت که جمله بر روی چه چیزی تمرکز دارد. «تحلیل انتقادی در این سطح بررسی می‌نماید که چه کسی، چه چیزی را بر روی چه کسی انجام داده است. یعنی تحلیل روابط عامل - پذیرا در گفتمان و اینکه در گفتمان چه کسی صاحب بیشترین قدرت است.» (پالتریج، ۱۳۹۵: ۳۵۵)

إبن خادمة ذهب ومات من أجل الوطن / أما قانده الروحي/ فقد ذهب إلى حفل التأيين ورثاه بخطبة عصماء/ وصفقوا له تحت فلاشات المصورين/ وظهر على شاشات التلفزيون/ وتلقى "التهاني والتعازي" وفي غمرة الانتشاء الحدادي/ علقوا رسمه على باب بيت الراحل بدلا من صور الراحل (السمان، ۲۰۰۵: ۴۲).

(ترجمه) «فرزند یک کنیز که به خاطر وطن به جنگ رفت و کشته شد/ اما رهبر معنوی وی / به مراسم عزاداری او رفت و با یک خطبه‌ی غرا او را ستود/ برای او در زیر نور فلاش‌های عکاسان دست زدند/ در صفحه‌های تلویزیون ظاهر شد/ تبریک و تسلیت دریافت کرد / و در تاریکی مستی آهنی/ عکس خود را به جای عکس آن مرحوم بر در خانه‌ی مرحوم آویزان کردند»

این شعر به صورت جمله اسمیه آغاز شده و با تأکید بر قطب‌بندی نادرست جامعه عرب و برخورد نامناسب با قشر فقیر جامعه، طبقه عادی جامعه را به عنوان مبتدا آورده و توجه مخاطب را بر تمرکز قدرت در دست قشری خاص در جامعه سوق می‌دهد. تأکید بر دو واژه «التهاني والتعازي» در کنار هم، نشان از پذیرفتن رابطه نامتقارن قدرت در جامعه توسط مردم دارد. جایی که صورت‌بندی‌های ایدئولوژیکی مسلط در جامعه، تمرکز قدرت در یک سمت جامعه را عادی و طبیعی جلوه می‌دهد.

إنها الحرب/إنها الحزن/ونواح النساء يزنر الكرة الأرضية/ الأطفال صاروا يولدون بلا أجنحة/ مات حتى صوت بكائهم/ الحرب تقتل كل شئ (السمان، ۲۰۰۵: ۶۷).

(ترجمه) «این جنگ و اندوه است / و صدای نوحه‌های زنان که زمین را به لرزه می‌اندازد / کودکان بدون دست و پا متولد می‌شدند / حتی صدای گریه‌ی آنها مرد / جنگ همه چیز را کشت.»

جنگ، مبتدا و در معنی فاعل جمله است و جامعه عربی پذیرای فعلیت آن است. جنگ، حتی صدای گریه نوزادان را هم به قتل رسانده است.

علاوه بر این، گاه جملات فعلیه را به صورت مجهول ذکر می‌کند تا توجه مخاطب را به آنچه در جمله حذف شده است، جلب کند.

"ماذا تريد أن تعرف عني؟ كم مرة مت؟ / سيرة ميتاتي بالتفصيل واحدة بعد أخرى وعددها؟ / الأرقام الافتراضية مع امرأة دهرية وندت عصورا / وجلدت زمنا وبيعت كجارية / وأحرق علي أوتاد الساحرات وجلدت ورجمت." (همان: ۱۱).

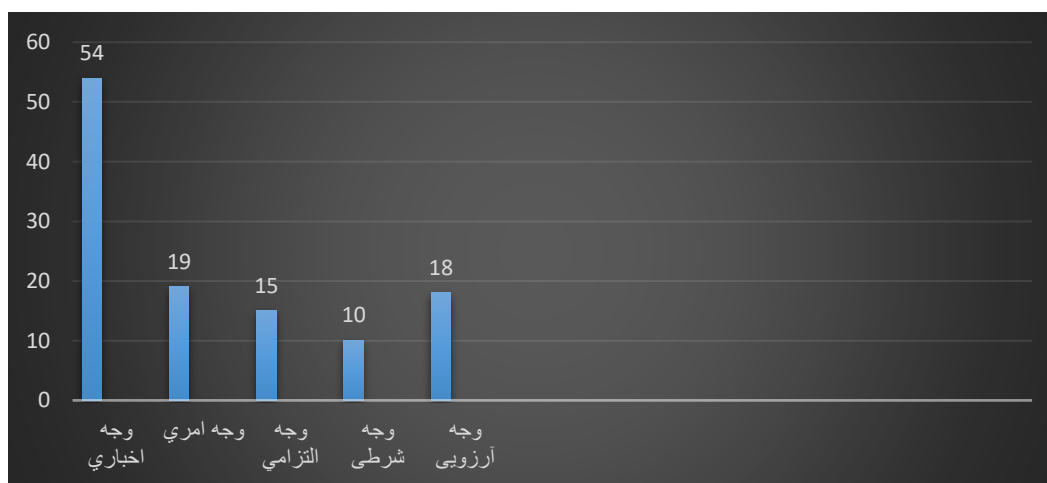
(ترجمه) «می‌خواهی چه چیزی از من بدانی؟ / چندبار مردم؟ / سرنوشت مرگ‌های من را به شکل جزئیات و یکی پس از دیگری می‌خواهی بدانی؟ شماره‌های فرضی همراه با زنی باستانی که سال‌ها زنده‌به‌گور شد/ و در روزگاری دست‌ها او بسته و به کنیزی گرفته شد/ بر روی میخ ساحران سوزانده و شلاق خورد و سنگسار شد.»

در این شعر، هدف السمان بیان رنج زن عربی به طور عام است و بر این اساس، فعل را به صورت مجهول ذکر می‌کند.

۳.۱.۲. وجه افعال

یکی دیگر از حوزه‌های توصیف، استفاده از شکل خاصی از افعال و تکرار مداوم آن در کل متن است. «وجه افعال، درجه تعهد و الزام انسان به حقیقت گزاره‌هایی را نشان می‌دهد که بر زبان جاری می‌کند.» (Fawler، ۱۹۸۶: ۱۳۱) با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته در مجموعه شعر الحبيب الافتراضی غاده السمان، بیشترین کاربرد وی در زمینه وجه افعال، از نوع وجه اخباری و در صیغه‌های ماضی ساده و یا مضارع اخباری است. وجه اخباری برای «بیان عملی که هم‌اکنون در حال انجام گرفتن است یا جنبه عادت، استمرار و تکرار دارد به کار می‌رود. وقایع و رویدادها و آنچه در زمان حال اتفاق می‌افتد با این زمان بیان می‌شود و نیز برای بیان حقایق مسلم و بیان مسایل علمی و برای بیان آینده کاربرد دارد» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۴۰۰).

نمودار استفاده از وجوه افعال در این مجموعه شعر السمان به صورت زیر است:



"کتب لها أحلى قصائده/ عن الغابات الشاسعة التي يربد أن يرتاد معها/ ومدارات الكواكب التي سيحملها إليها / وكل ما كان يعنيه ببساطة متران طولاً بمتراً عرضاً: سريرها." (السمان، ۲۰۰۵: ۱۸)

(ترجمه) «شیرین‌ترین قصه‌های خود را برای وی نوشت/ در مورد جنگل‌های وسیعی که می‌خواهد با او به آنجا برود/ مدارهای ستارگانی که او را به سویش می‌برد/ هر آنچه در چشمان وی بود به سادگی دو متر طول و یک متر عرض داشت: تخت خواب وی»

به کارگیری فعل‌های «کتب، یزید، یرتاد، یحمل» یعنی که در وجه اخباری و در صیغه‌های ماضی ساده و مضارع اخباری به کار رفته‌اند نشان‌دهنده قطعیت السمان در باب اطلاعاتی است که به مخاطب انتقال می‌دهد. «بسامد بالای استفاده از وجه اخباری، قطعیت متن را بالا می‌برد و مبین میزان پایبندی نویسنده به حقیقت گزاره‌هاست.» (درپر، ۱۳۹۲: ۱۵۱) السمان با استفاده از وجه اخباری، میزان قطعیت کلام را افزایش داده و مخاطب را به باورپذیری وقوع فعل سوق داده است.

۴.۱.۲. تصویرسازی بلاغی

استفاده از استعاره، تشبیه و مجاز برای برجسته‌سازی ایدئولوژی‌های مسلط بر جوامع عربی چه در باب کلیشه‌های جنسیتی و چه در موضوع وطن یکی دیگر از برجستگی‌های اشعار السمان است:

أيتها البومة المتوحدة كطفل على باب متيم / اهربي بجرحك إلی وكرك/ داوي نفسك بجرعات كبيرة من اليأس/ حذار من سم الأمل، - حذار/ فكل رجل يقتل من يحب" بحقن في الشريان من سم الأمل/ وسيظل يطاردك حتى الأبدية ليقتلك بعد الموت مرات (السمان، ۲۰۰۵: ۱۵).

(ترجمه) «ای جغد تنهایی که چون یک کودک بر درگاه خانه‌ی عاشقی ایستاده‌ای/ با زخم خود به لانه‌ات فرار کن / زخم خود را با جرعه‌های فراوان اندوه درمان کن/ از سم آرزو بر حذر باش/ بر حذر باش/ هر مردی کسی را که دوست دارد با سوزنی از امید که در رگ‌های وی فرو می‌کند؛ خواهد کشت/ و همچنان تا ابدیت به دنبال تو خواهد آمد تا تو را بعد از مرگ، بارها به قتل برساند»

تشبیه زن به جغدی زخمی که به امید رهایی به مرد پناه می‌برد، نشان از تفکر انتقادی السمان در باب تکیه زنان بر مردان و امید بستن به حل مشکلات خود از طریق ازدواج دارد:

"حين تذوق الفراشة طعم التحليق بحرية/ حين تعرف نشوة تحريك أجنحتها في الفضاء / لا يعود بوسع أحد إعادتها إلی شرنقتها/ ولا إقناعها بأن حالها كدودة أفضل." (همان: ۱۱۲).

(ترجمه) «وقتی پروانه پرواز را در کمال آزادی بچشد/ هنگامی که لذت حرکت بال‌هایش در فضا را بشناسد/ هیچ‌کس نمی‌تواند او را به پیله‌ی کرم ابریشم برگرداند/ و نمی‌تواند او را قانع کند که وضعیت وی در حالت کرم‌بودن بهتر است.» در این تصویر نیز، السمان با استفاده از واژه پروانه و آزادی به زنانی اشاره دارد که توانسته‌اند راه واقعی خود را پیدا کرده و از حالت منفعل، مطیع و دست و پا بسته که آن را به زندگی کرمی تشبیه کرده، رهایی یافته‌اند؛ هرگز حاضر به پذیرش مجدد سنت‌های حاکم بر جامعه و قید و بندهای گذشته نیستند.

اما شاید دردناک‌ترین تصویری که السمان از محدودیت زندگی زنان عرب ارائه می‌دهد زمانی است که آزادی زن عرب را کمتر از مرغی می‌داند که در کشورهای غربی می‌تواند همراه خروس صدایش را بلند کند. صدای زن عرب؛ ننگ است و نباید شنیده شود:

"وأجمل من ذلك كله في أجمل منفي في العالم: باريس/ أن الدجاجة تستطيع هنا أن تصيح معلنة طلوع الفجر/ فحقها فيها كحق الديك/ أما أنا، فجنت من عالم / يجد صوت المرأة عورة / حتى وهي تصيح لتبيض" (السمان، ۲۰۰۵: ۱۲۲).

(ترجمه) «زیباتر از همه‌ی این موارد در زیباترین تبعیدگاه عالم: پاریس / این است که یک مرغ در اینجا می‌تواند طلوع خورشید را اعلام کند / و حق وی مانند حق و حقوق خروس است/ اما من، از جهانی می‌آیم/ که صدای زن را زشت می‌داند / حتی اگر وی به هدف تخم‌گذاشتن فریاد بزند.»

۲.۲. تفسیر در اشعار السمان

در تفسیر، سعی می‌شود تا پیش فرض‌های مربوط به متن مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرند و میزان ارتباط متن با متن‌های قبل و هم‌عصر خود بیان می‌شود. به این صورت که نشان داده می‌شود که نویسنده با استفاده از چه پیش‌زمینه‌هایی متن خود را نوشته است.

۱.۲.۲. بافت موقعیت (زمانی و مکانی)

اگرچه السمان به طور دقیق بافت زمانی اشعار خود را مشخص نکرده است اما با توجه به محتوای اشعار وی که بر جنگ و ویرانی و آشوب در سرزمین‌های عربی خصوصاً لبنان و فلسطین اشاره دارد به نظر می‌رسد که وی به شکست اعراب از اسرائیل در جنگ شش روزه که به اشغال کامل کرانهٔ باختری توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷ و جنگ‌های داخلی لبنان در همان سال و بیرون‌راندن آوران فلسطینی از کشورهای عربی اشاره داشته باشد. دههٔ ۷۰ و اوایل دههٔ ۸۰ در سرزمین‌های عربی خصوصاً لبنان و مصر دهه‌ای پر از جنگ و آشوب و ناآرامی بود. این ناآرامی‌ها سرنوشت بسیاری از کودکان عرب را تغییر داد و آیندهٔ نامشخص را برای آنها رقم زد. به نظر می‌رسد نگاه ناامید و سرخوردهٔ السمان در باب جنگ و ویرانی وطن، بیشتر مولود اثرات جنگ‌های فرسایشی و شکست‌های اعراب از اسرائیل است که سبب درهم‌شکستن عظمت تاریخی انسان عربی و بیگانی وی از جامعه شد. اما بافت مکانی اثر، بیشتر به فلسطین، دمشق و لبنان اشاره دارد و اگرچه نویسنده در خارج از وطن اقامت دارد اما هرگز نتوانسته است فضای شعر خود را از وطن خالی کند.

النجوم تشع في كل مدينة أقيمت فيها/ في لندن وباريس ونيويورك وجنيف وروما وزوريخ/ ولكن كان لبريقها وميض سحري آخر ساطع كالبرق/ حين كنت أراها من شرفتي/ في ساحة النجمة الدمشقية (السمان، ۲۰۰۵: ۱۴۷).

(ترجمه) «ستارگان در همه‌ی شهرهایی که سکونت داشتیم، می‌درخشند/ در لندن، پاریس، نیویورک، ژنو، روم و زوریخ/ ولی درخشش آن نور سحر آمیز دیگری داشت که چون برق منعکس می‌شد / وقتی آن را از بالکن اتاق خود می‌دیدم / در میدان نجمه‌ی دمشق.»

تعبیر السمان از تأثیر زندگی در خارج از سرزمین‌های عربی و حفظ تعلق و وابستگی به وطن گویای ریشه‌دار بودن میراث فکری و فرهنگی عرب در نزد وی است «غربت استادی است که به من آموخت چگونه نام وطن را بر همه ابرها در آسمانی بیگانه بنویسم» (السمان، ۱۳۸۹: ۲۸). در شعر زیر همه هستی‌اش را نوعی وهم و خیال تصور می‌کند جز آن بخشی که در دمشق و در وطن بوده است:

ثمة لحظات أشعر فيها أن حياتي كانت وهمية / باستثناء أيامي الدمشقية وحيي الدمشقي (همان: ۱۴۸).

(ترجمه) «بعضی از لحظات وجود دارد که در آنها احساس می‌کنم زندگی من خیالی بیش نیست/ به جز روزهایی که در دمشق هستم و عشق دمشقی من کنار من است.»

۲.۲.۲. بینامتنیت

تحلیل گفتمان انتقادی در بحث بینامتنیت با بررسی پیش‌زمینه‌های فکری نویسنده و کشف ارتباط پنهان ایدئولوژی‌های برخاسته از متن وی با تجربیات و عقاید دیگران، گرایش‌های خاص و پیش‌انگاری‌های متن وی را تجزیه و تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که متن وی تا چه میزان در تعامل با متن‌های دیگر است. بینامتنیت به این نکته اشاره دارد که هر متنی تنها شکل تغییر یافته متن‌های دیگر است که یا پیش از آن خلق شده‌اند و یا معاصر آن هستند. «هر متنی، بافت جدیدی از گفته‌ها و نوشته‌های پیشین است. رمزا، قواعد و الگوهای آهنگین، بخش‌هایی از زبان اجتماعی و غیره وارد متن می‌شوند و در آن مجدداً توزیع می‌شوند.» (وبستر، ۱۳۸۲: ۱۶۲)

السمان به شدت از فرهنگ و آثار ادب غربی تأثیر پذیرفته است تا جایی که خود در این باره می‌گوید: «من بیشتر از ادبیات انگلیسی متأثر شدم و نمی‌توانم اعجابم را از «ویرجینیا وولف»، «ویلیام فالکنر»، «سیمون دوبوار»، «داستایوفسکی»، «جیمز جویس» و «گوستاو فلوربر» مخفی کنم. از طرف دیگر ریشه‌های اسلامی خود را هم نمی‌توانم نادیده بگیرم» (ر.ک: نسیب الاختیار، ۱۹۹۱: ۱۰). با توجه به بسامد بالای واژه‌های غربی در کنار اسامی اساطیری عربی و غربی در اشعار السمان، ارتباط قوی این متن با متن‌های ادبی در ادبیات غرب و شرق به خوبی نمایان است. نویسنده با ذکر چندبارۀ اسامی و شخصیت‌های شعری و داستانی مطرح در ادبیات غرب و شرق علاوه بر نشان دادن میزان اطلاع خود بر این دو ادب، تأثیر اندیشه و متن شعری وی از ادب پیش از خود را نیز به اثبات می‌رساند.

"هاملت" و "آنا کارنینا" و "الملک لیر" و "مدام بوفاری" و "روبنسن کروزو" و "جوناثان لیفنگستون" و "غراب إدغار آلن بو"، "الحوت موبی دیک"، "حمار الحکیم"، "بومة یولیوس قیصر"، "شجرة أليس" همگی قهرمانان رمان‌هایی هستند که در ادبیات غرب نوشته شده‌اند و نشان از مطالعه السمان و مذاقه این آثار دارد. علاوه بر این اشاره به اسطوره‌های باستانی عربی و غربی، توانایی السمان در نمادپردازی و سیطره وی بر تاریخ ادبیات را نشان می‌دهد. این تسلط سبب شده است تا وی به صورت آگاهانه از ترکیبات و نمادپردازی‌های ایدئولوژیک در شعرش استفاده کند. به صورتی که خود را در قالب یک زن عرب با همه رنج‌ها و محدودیت‌ها به سیزیف و گاه عتره تشبیه می‌کند:

أنا عولیس الذي ضیع دربه إلى الوطن دهرًا/ وأنا سیزیف الذي یحمل صخرته کل یوم ویعود الصعود العبثی/ أنا عنتره المقاتل بلا خطوط رجعة/ أنا دون کیشوت الأحمق التاریخی الثائنه بین طواحین الهواء. (السمان، ۲۰۰۵: ۳۰).

(ترجمه) «من عولیس هستم که روزگاران طولانی به خاطر وطن زندگی وی تباه شد. / من سیزیف هستم که صخره‌ی خود را هر روز به دوش می‌کشد و صعود پوچ خود را تکرار می‌کند / من عنتره‌ی جنگجو هستم که هیچ راه بازگشتی ندارم / من دن کیشوت احمق تاریخی هستم که بین آسیاب‌های هوا حیران شدم»

خود السمان در باب آگاهی و علاقه به فرهنگ و ادبیات شرق و غرب می‌گوید: «من بیشتر از ادبیات انگلیسی متأثر شده‌ام و نمی‌توانم اعجابم را از «ویرجینیا وولف»، «فالکنر»، «سیمون دوبووار»، «داستایوسکی»، «جیمز جویس» و «فلویر» مخفی کنم. از طرف دیگر، ریشه‌های عربی خودم را هم نمی‌توانم نادیده بگیرم. پدرم من را با مطالعه سنت‌های عربی اغناء کرد.» (نسب الاختیار، ۱۹۹۱: ۱۰). السمان به اشعار خود رنگ اساطیری بخشیده و با آنها به عمق تاریخ سفر کرده و رنج‌های تاریخی زنان را نمایش داده است.

علاوه بر این، با توجه به آشنایی السمان با اندیشه‌های فمینیستی سیمون دوبووار، مفاهیم وی در اشعار السمان به خوبی قابل مشاهده است. «سیمون دوبووار، نویسنده و فیلسوف فمینیست فرانسوی دهه هفتاد، در کتاب «جنس دوم»، با بازتعریف مبانی اندیشه اگزیستانسیالیستی سارتر در قالب گرایش‌های فمینیستی، به تبیین جایگاه زنان در جامعه و ظلم بر آنها پرداخت.» (محسنی و خسروی، ۱۳۹۶: ۱۳۵) نفی تکیه بر مردان و عدم دلبستگی به عشق، رها شدن زن از حصار خانه و آشپزخانه، آزادی و استقلال زنان از مردان همگی مفاهیمی است که السمان از مکتب فمینیستی دوبووار برداشته است. شاید اوج تأثیرپذیری السمان از اندیشه‌های دوبووار را بتوان در نفی قدرت ازدواج در نجات زنان دانست. جایی که دوبووار ازدواج را مثله‌کننده زن و توانایی وی می‌داند. «ماجرای غم‌انگیز ازدواج این نیست که سعادت را که به زنان نوید می‌دهد، برای آنان تامین نمی‌کند، بلکه ماجرای غم‌انگیزتر این است که ازدواج زن را مثله و گرفتار تکرار و روزمرگی می‌کند.» (دوبووار، ۱۳۸۵: ۲ / ۳۳۶) و السمان نیز با صراحت، اعلام می‌کند که زنان نباید به ازدواج و عشق مردان تکیه کنند چرا که ناامیدی‌کننده را به دنبال دارد. «مردم جامعه همگی به ازدواج به عنوان امری رؤیایی و پایان همه مشکلات نگاه می‌کنند در حالی که ازدواج مشکلات زنان را حل نمی‌کند بلکه دردهای همیشگی را برای چند هفته از بین می‌برد. آنها انتظار زیادی از این نظام قدیمی و پوسیده دارند و آنگاه که درمی‌یابند که این نظام جز اضافه کردن بار مسئولیت آنها کاری نتوانسته بکند؛ شگفت‌زده می‌شوند.» (السمان، ۱۹۸۱: ۲۹). این اندیشه در تشبیه «زن به جغد زخمی» نمود یافته است.

علاوه بر این اشاره به مفاهیم قرآنی و اقتباس از آیات قرآن در چند جای اشعار السمان به چشم می‌خورد و نشان از بهره‌گیری وی از مفاهیم قرآنی دارد. از جمله در شعر زیر به دختران زنده به گور شده اشاره دارد که اقتباسی از آیه ۹ سوره تکویر است. السمان، اگرچه طرفدار احقاق حقوق زن و به دست آوردن جایگاه حقیقی زن است اما هرگز نتوانسته است ریشه‌های فرهنگ عربی اسلامی خود را نادیده بگیرد و بر همین اساس، در این راه با افراطی‌گری‌های برخی از گروه‌های فمینیستی به شدت مخالف است. او بر زیاده‌خواهی‌ها فمینیست‌های افراط‌گرای غرب می‌تازد و قوانین ناعادلانه‌ای که به زنان شاغل اجازه بچه‌دار شدن را نمی‌دهد و بارداری را به خطری تهدیدکننده برای فرصت‌های شغلی آنان تبدیل می‌کند و

حق تشکیل یک خانواده و فرزندآوری را حق طبیعی یک زن نمی‌داند، به شدت می‌تازد. وی معتقد است که «بیشتر آثار ادبی معاصر زن را از اینکه کنیز و اسیر مرد باشد رها می‌کند ولی او را بردهٔ یک انقلاب سطحی می‌سازد که گل می‌دهد ولی به ثمر نمی‌نشیند. او را از سیطرهٔ مرد رها می‌کند ولی او را تبدیل به برده‌ای برای انقلاب بر ضد مردان می‌کند ... در هر دو حالت این انسانیت زن است که از بین می‌رود» (السمان، ۱۹۹۰: ۳۴).

ماذا تريد أن تعرف عني؟ كم مرة مت؟ /سيرة ميتاتي بالتفصيل واحدة بعد أخرى وعددها؟ الأرقام الإفتراضية مع امرأة دهرية وندت عصورا (السمان، ۲۰۰۵: ۱۱)

(ترجمه) «می‌خواهی چه چیزی از من بدانی؟ چندبار مردم؟ سرنوشت مرگ‌های من را به تفصیل و یکی بعد از دیگری و تعداد آنها را می‌خواهی بدانی؟ اعداد فرضی همراه با زنی باستانی که دوره‌های متمادی زنده به گور شد.»

۳. ۲. تبیین اشعار غاده السمان

«هدف از مرحلهٔ تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها، چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها شوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۴).

سرچشمهٔ گنجینهٔ فکری غاده السمان، از عرصهٔ سنت و اصالت و فرهنگ عربی و اسلامی فراتر رفته است. چراکه نویسنده در میراث عربی، دست‌مایه‌های دراماتیک نوآور و شخصیت‌های فوق‌العاده الهام‌انگیز را دیده است (السمان، ۱۹۹۰: ۲۵۶). جنسیت نویسنده در تبیین و توضیح نوشته‌ها و اندیشه‌های وی بسیار مؤثر است. السمان با موضع‌گیری در برابر ایدئولوژی‌های مسلط مردانه در برابر زنان، در کنار آشوب و آشفتگی سرزمین‌های عربی در جریان جنگ‌های داخلی و ناکارآمدی حکام عرب در ایستادگی در برابر اسرائیل و حل بحران فلسطین، صدای اعتراض خود را در قالب شعر به مخاطب رسانده است. وی در باب زنان، سعی می‌کند تا اندیشه و آگاهی را رمز رهایی زنان قرار دهد و آنها را از انفعال و تسلیم در برابر قدرت و ایدئولوژی‌های مردمحور رهایی بخشد. تأکید السمان بر واژهٔ قلم و کتابت، و تکرار پربسامد آنها در اشعار این مجموعه، نشان‌دهندهٔ نقش پررنگ آگاهی و دانش در زدودن جهل فرهنگی از جامعه است. وی قصد دارد همچون یک اصلاح‌گر اجتماعی، ساختار جامعه را متحول سازد، اما روشی که به کار می‌گیرد، از تحلیل فراتر رفته، به اعتراض، توبیخ و انکار متمایل می‌شود. او با روحیه‌ای ایده‌آل‌گرا، عصیانگر و جسور، قلم می‌زند؛ قلمی که در ادبیات عرب سابقه ندارد. «هنگامی که ما از ادب غاده السمان سخن می‌گوییم چنان است که به ادبیات زنانهٔ لبنان همراه با تمام ارکان و اشکال مختلف دیدگاه‌ها و قضایای آن می‌پردازیم» (یوسف، ۲۰۱۰: ۶۵). در ادب فارسی، غاده به سبب شجاعت و صراحت زبان شعری‌اش، با فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی هم‌تراز دانسته شده است. در ادبیات عرب، همواره به عنوان یکی از چهره‌های مشهور الأدب النسائي (ادبیات زنانه) شناخته می‌شود.

با اینکه بیشتر اشعار وی ساده و با توصیفاتی ابتدایی بیان شده‌اند اما در بعضی از اشعار به شکلی رمزگونه و نمادگرایانه، به تاریخ عرب از گذشته تا زمان سرودن اشعار اشاره می‌کند و سعی دارد تا انسان عربی را به آینده‌ای بهتر و خالی از جنگ و سنت رهنمون کند. هر چند که وی هرگز فرهنگ عربی را به طور کامل نفی نمی‌کند. «البته منظور من از سرکشی و شورش از بین بردن تمام و کمال گذشته و قطع رابطه با هر آنچه از گذشته مانده نیست؛ بلکه منظورم تجدید نظر در انبوهی از افکار موروثی و ارزش‌های پوشالی است که انسان از زن و مرد عرب در زیر بار سنگین آن رنج می‌برد.» (السمان، ۲۰۰۳: ۷۲) همین امر سبب شده است تا در سراسر اشعار السمان فضایی دوگانه از شک و یقین، ترس و امید، عشق و نفرت حاکم باشد. جهانی وهم‌آلود که به شکلی عمیق در پی تصویر دنیای واقعی جهان عرب است. گفت‌وگو، جملات کوتاه بدون فعل، توجه ویژه به میراث فرهنگی شرق و غرب، صحنه‌پردازی، اشاره به سرکوب زنان در طول تاریخ، نگاه تحقیرآمیز عرب به زن از همان ابتدا، استفاده از زن به عنوان ابزاری جنسی، استفاده از تصاویر هنری، استعاره و تشبیه، استفاده از اسلوب تحقیر در توصیف ایدئولوژی‌های مسلط مردانه، ستودن آزادی زنان در برابر اسارت فرهنگی جامعه، تمسخر روشنفکران به تغییر نام شکست ۱۹۶۷، افتخار به گذشته و در گذشته ماندن عرب در برابر روشنفکری غرب، از مهمترین بازنمودهای گفتمان انتقادی در اشعار السمان است. اعتراض اصلی السمان به فرهنگ و باورهای فرهنگی عرب از ابتدا تا کنون بوده و کمتر بر جامعه مردان تمرکز می‌کند چرا که معتقد است، گناه اصلی در حق زنان بر عهده باورها و فرهنگ غلط عربی است. «اشتباهی که اکثر انجمن‌ها و نویسندگان زن مرتکب می‌شوند این است که فکر می‌کنند مبارزه آنها ضد جنس مرد است نه ضد عقب‌ماندگی اجتماعی. عوامل دیگری چون عوامل اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و ایدئولوژیک وجود دارند که باید آنها را نیز به حساب آورد. مشکل زن عربی آن است که از پایمال شدن حقوق اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود رنج می‌برد.» (نسب الاختیار، ۱۹۹۱: ۷۷).

نتیجه

در گفتمان انتقادی فرکلاف متن در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌گردد. از آنجا که در این پژوهش سعی گردید تا شعرهای اشعار السمان که موضوع توصیفی و تفسیری دارند مورد ارزیابی قرار بگیرند؛ محیط اجتماعی و فرهنگی که شاعر در آن اشعار خویش را سروده و نیز شیوه‌ی نگاه زنانه‌ی وی به عشق، جنگ و وطن به صورت همزمان مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس و با تکیه بر دیدگاه فرکلاف مشخص گردید که اشعار این مجموعه شعر السمان حاصل تجربیات، ذهنیات و تفکر خود وی در باب جنگ و تأثیرات زیانبار آن بر زندگی مردم جامعه خصوصاً زنان است. در بخش توصیف، مشاهده گردید که جنسیت، قومیت و وطن از مهم‌ترین مسائلی هستند که السمان به آنها توجه نشان داده است. در بحث جنسیت، سعی کرده است تا کلیشه‌های جنسیتی که فرهنگ مردسالار عربی بر زنان تحمیل کرده است را مورد انتقاد قرار داده و زن عربی را به باور خویشتن و توانایی فردی خویش که بیشتر در نوشتن خلاصه کرده، فرابخواند. این امر بیش از هر چیز، در محیط اجتماعی و فضای فکری و فرهنگی جهان عرب ریشه دارد که زن را به عنوان یک فرد مستقل و کارآمد قبول نکرده است. فضای کشورهای عربی هنوز نتوانسته است ارزش واقعی زن را به وی بازگرداند و این

امر در سایه‌ی جنگ‌های مختلف از جمله شکست شش روزه اعراب از اسرائیل و جنگ‌های داخلی در کشورهای لبنان و عراق، رنگ و بوی خشونت‌بارتری به خود گرفته است تا جایی که السمان به عنوان یک زن، ارزش خود را در کشورهای عربی با ارزش مرغ در کشورهای اروپایی مقایسه کرده و آن را برتر می‌داند. در بحث قومیت، السمان سعی کرده است به اسارت اعراب در افتخارات گذشته اشاره کرده و عدم تلاش اعراب برای همگامی با دانش‌های نوین را مورد انتقاد قرار داده و کشورهای عربی را با جهان غرب مقایسه کند. در این میان، سفرهای مختلف السمان به کشورهای غربی، خصوصاً پاریس و مشاهده‌ی تحول فکری، فرهنگی و حتی اقتدار نظامی این کشورها در جهان، سبب شده است تا شکست‌های پی در پی اعراب از اسرائیل، تأثیر بیشتری بر اشعار وی داشته و آنها را در فضایی از اندوه و ناامیدی نسبت به آینده‌ی جهان عرب فرو ببرد. در این میان، السمان با استفاده از وجه اخباری، میزان قطعیت کلام را افزایش داده و مخاطب را به باورپذیری تصویرسازی‌های خود سوق داده است.

در سطح تفسیر و با استفاده از عنصر بینامتنیت می‌توان گفت که اشاره‌های متعدد السمان به اسطوره‌های غربی و سرنوشت غمگین آنها، میزان اثرپذیری آثار وی از تمدن غربی را نشان می‌دهد اما نکته‌ی حائز اهمیت، استفاده‌ی السمان از اسطوره‌هایی است که شکست خورده و مدام در چرخه‌ای عبث گرفتار شده‌اند. این امر، بازگشت اعراب به گذشته را با نمود بیشتری به تصویر می‌کشد. در باب وطن نیز به شدت از جنگ‌های فرسایشی اعراب چه با اسرائیل و چه به صورت جنگ‌های داخلی خسته و دل‌زده است و ناکارآمدی حاکمان عرب در برخورد درست با قضیه‌ی فلسطین و کنار آمدن آنها با شکست از اسرائیل را مورد تمسخر قرار می‌دهد.

علاوه بر این، تأثیرپذیری السمان از آرای سیمون دوبوار و دیگر نویسندگان فمینیست غربی بسیار مشهود است. استفاده از افعال مجهول از منظر تحلیل گفتمان، بار ایدئولوژیک اشعار السمان را بالاتر برده است. عدم مشخص بودن فاعل در جملات السمان، قدرت تصمیم‌گیری و ابتکار وی را از بین برده است و زن عرب را به عنوان یک قربانی دست و پا بسته به تصویر کشیده است. بافت سیاسی و اجتماعی عربی متأثر از ناکارآمدی حاکمان عرب به شدت متزلزل و ناامیدکننده بوده و همین امر بر گفتمان شعری السمان به شدت تأثیر گذاشته است. وی که با تفکرات فمینیستی جهان غرب به‌خوبی آشنایی دارد؛ جایگاه زنان در جهان عرب را به تصویر کشیده است.

کتابنامه

۱. پالتریج، برایان (۱۳۹۵)، درآمدی بر تحلیل گفتمان. ترجمه: طاهره همتی، تهران: نشر نویسه پاریسی.
۲. حادی، احلام. (۲۰۰۴). جمالیات اللغة في القصّة القصيرة: قراءة لتيار الوعي في القصّة القصيرة السعودية، ط ۱، المغرب: المركز الثقافي العربي.
۳. درپر، مریم (۱۳۹۲) سبک‌شناسی انتقادی (سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی)، تهران: علم.
۴. دوبوار، سیمن (۱۳۸۵)، جنس دوم، ترجمه: فاسم صنعوی، ج ۲، چاپ هفتم، تهران: انتشارات طوس.
۵. السمان، غادة، (۱۳۹۹) زنی عاشق در میان دوات. ترجمه عبدالحسین فرزاد- تهران: نشر چشمه.

۶. _____ (۱۹۹۰) تستوجب القتیلة. الطبعة الثانية. بیروت: منشورات غادة السمان.
۷. _____ (۲۰۰۳). التمرد و الالتزام. بیروت. دار الطلیعة.
۸. _____ (۲۰۰۵). الحبيب الافتراضی. الطبعة الأولى، بیروت: منشورات غادة السمان.
۹. _____ (۱۹۹۵). لیل الغرباء، الطبعة التاسعة. منشورات غاده السمان.
۱۰. سراج، علی (۱۳۹۴)، گفتمان زنانه: روند تکوین گفتمان زنانه در آثار نویسندگان زن ایرانی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۱۱. شوقی بدر، یوسف. (۲۰۱۰). القصة القصيرة النسوية اللبنانية»، الناشر: وكالة الصحافة العربية.
۱۲. عواد، حنان. (۱۹۸۹). فضایا عربیة فی أدب غادة السمان فی فترة ما بین ۱۹۶۲ م و ۱۹۷۵ م. الطبعة الأولى. بیروت: دار الطلیعة.
۱۳. فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۸۷) ابدیت لحظه عشق، چاپ دوم، تهران، نشر چشمه.
۱۴. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز بر پایه زبان-شناسی جدید. تهران: سخن.
۱۵. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته بیران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۶. نسب الاختیار، نجلا. (۱۹۹۱). تحریر المرأة عبر أعمال سیمون دوبووار و غاده السمان، بیروت: دارالطلیعة.
۱۷. وبستر، راجر (۱۳۸۲)، پیش درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی، ترجمه الهه دهنوی، چاپ اول، تهران: روزنگار.
۱۸. افخمی، رضا، روستایی، علیرضا. (۱۴۰۰). «تحلیل گفتمان ادبی لامیه امرئ القیس الا عم صباحاً». فصلنامه علمی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره سیزدهم، شماره ۳. صص ۲۲-۱. (Doi: ۱۰/۲۲۰۶۷/jallv۱۳.i۳/۸۰۶۴۶).
۱۹. آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات». ادب پژوهی. دوره یکم. شماره ۱. صص ۲۷-۱۷.
۲۰. امیدوار، احمد. (۱۴۰۰). «تحلیل گفتمان انتقادی اشعار احلام نصر بر اساس نظریه لاکلا و موفه». فصلنامه علمی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره سیزدهم، شماره ۲. صص ۱۰۳-۷۸. (Doi: ۱۰/۲۲۰۶۷/jallv۱۳.i۲/۲۰۱۴/۱۰۳۷).
۲۱. حق شناس، علی محمد و عطاری، لطیف (۱۳۸۶)، «نشانه‌شناسی شعر»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۳۹، شماره ۱۸۳، صص: ۴۵-۱۹.

22. Brown, G. & G. Yule. (1989). Discourse Analysis (reprinted). Cambridge: Cambridge University Press. [In English].
23. Fairclough, N. (2001). Language and power. England: Logman. [In English].
24. Fowler, R. (1986). Linguistic Criticism. Oxford: Oxford University Press. [In English].
25. Rogers, R. (2004). Setting an agenda for critical discourse analysis in education. [In English].
26. Rogers, R. (n.d). An Introduction to Critical Discourse Analysis in Education. [In English]

References

The Holy Quran.

Al-Samman G. (1995). *Al-habib Al-ghoraba*. 9th Edition, Beirut: Ghada Al-Samman Publications. [In Arabic].

_____. (2005). *Al-habib Al-efterazi*. First Edition, Beirut: Ghada Samman Publications. [In Arabic].

- _____.(2020). A woman in love among medicine. Translated by Abdol- Hussein Farzad.Tehran: Cheshmeh Publishing. [In Persian].
- _____.(1990).Tostojeb-Al-ghatila. Second Edition. Beirut: Ghada Samman Publications. [In Arabic].
- _____.(2003). Al-Tamarrod &-Eltezam. Beirut: Al-dar-AL-ttaliah.[In Arabic].
- Awwad, H. (1989). Arab issues in the literature of Ghada Al-Samman in the period between 1962 & 1975, First Edition. Beirut: Dar Al-Tali'a[In Arabic].
- Darper. M.(2013).Critical stylistics (Stylistics of Ghazali Letters with a Critical Discourse Analysis Approach).Tehran: alam publication.[In Persian].
- Fairclough, N.(2000). Critical Discourse Analysis. Translated by Fatemeh Shayesteh Piran. Tehran: Center for Media Studies and Research. [In Persian].
- Farshidvard, K.(2003). Detailed grammar today based on modern linguistics. Tehran: sokhan .[In Persian].
- Farzad, A.H.(2008). Eternity is the moment of love.Tehran: Cheshmeh Publishing.[In Persian]
- Hadi, A.(2004). The aesthetics of language in the short story: A reading of the stream of consciousness in the Saudi short story, 1st edition, Morocco: Morocco Cultural Center.[In Arabic].
- Nasab-AL- ekhtiar,N.(1991). Women's Liberation through the Works of Simone Duboire and Ghada Samman, Beirut: Dar Al-Tali'a.[In Arabic].
- Paltridge, B.(2016). An Introduction to Discourse Analysis. Translated by Tahereh Hemmati. Tehran: Publishing Persian characters.[In Persian].
- Seamen,d.(2006). The second gender. Translated by Qasim Sanawi. Tehran: Toos Publications. [In Persian].
- Seraj,A.(2015). Women's discourse: The process of development of women's discourse in the works of Iranian women writers.Tehran: Enlightenment and Women's Studies. [In Persian]
- Shoghi Badr,Y .(2010). The Lebanese Feminist Short Story. Publisher: Arab Press Agency. [In Arabic].
- Webster, R.(2003). An Introduction to the Study of Literary Theory. Translated by Elahe Dehnavi. Tehran: Rooznegar.[In Persian].
- Afkhami, Reza & A. Rustaei. (2021). "Analysis of the literary discourse of Lamieh Imru Al-Qais except eam sbahaan". *Journal of Arabic Language & Literature*, 13 (3):1–22. (Doi:10.22067/jallv13.i3.80646). [In Persian].
- Aghagolzadeh, F. (2007). "Critical Discourse Analysis and Literature". *Literatur research*, 1(1):17–27 .[In Persian].

Haqshenas.A.M. & L.Attari. (2007). "Poetry semiotics".*Journal of the Faculty of Literature and Humanities. University of Tehran*.39(183):19-45. [In Persian].

Omidvar, A. (2021). "Analysis of the critical discourse of Ahlam Nasr's poems based on the theory of Lacla and Mouffe". *Journal of Arabic Language & Literature*, 13(2): 78-103.(Doi: 10.22067/jallv13.i2.2014.1037). [In Persian].